

١٢٩٤٤٦



دانشگاه شهید بهشتی  
دانشکده حقوق

رساله

دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

موضوع

## سنجش و مدیریت ریسک جرم

استاد راهنما

دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی

اساتید مشاور

دکتر علی صفاری

دکتر عباس منصورآبادی

۱۳۸۸/۱۰/۲۷

از استادان محترم  
تمییزه دارک

نگارش

احیر پاک‌نهاد

تأبستان ۱۳۸۸

۱۲۹۴۴۶

صورتجلسه دفاع از رساله دکتری

ان ۱۹۸۳۹۶۳۱۱۳ اوین جلسه ارزیابی رساله آقای امیرپاک نهاد فرزند رحیم  
دارای شناسنامه شماره ۱۵۵۷ صادره از جهرم متولد ۱۳۵۹  
دانشجوی دوره دکتری رشته حقوق گرایش حقوق کیفری و جرم‌شناسی

۲۹۹۰۱

با عنوان:

سنجش و مدیریت ریسک جرم

به راهنمایی دکتر نجفی ابرند آبادی و مشاورت دکتر صفاری و دکتر منصور آبادی طبق دعوت قبلی در تاریخ ۲۴ / ۴ / ۸۸ تشکیل گردید و براساس رأی هیأت داوران و با عنایت به ماده ۲۱، ۲۳ و تبصره‌های مربوطه، مندرج در آیین نامه دوره دکتری مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۸، رساله مزبور با نمره **نوزده** و درجه **عالی** مورد تصویب قرار گرفت.

هیأت داوران:

امضاء	درجه دانشگاهی	نام و نام خانوادگی	سمت داوری
	استاد	دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی	۱- استاد راهنما
	استاد	دکتر علی صفاری	۲- استاد مشاور
	استاد	دکتر عباس منصور آبادی	۳- استاد مشاور
	استاد	دکتر باقر شاملو	۴- داور از دانشگاه
	استاد	دکتر رحیم نوبهار	۵- داور از دانشگاه
	استاد	دکتر محمد فرجیها	۶- داور خارج از دانشگاه
	دکتر	دکتر حسین غلامی	۷- داور خارج از دانشگاه
			۸- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

ناظر تحصیلات تکمیلی

## تقدیم به آستان حقیقت

۹

آنان که وصلش را می‌جویند

۹

آنان که در آغوشش کشیده‌اند

۹

آنان که خود، عین حقیقت‌اند

# سپاس

سپاس صی‌گویم یزدان پاک را که پدر و مادری به من عطا کرد که در تمامی مراحل زندگی و تحصیل پشتیبان من بوده و مرا مدیون یآوری‌های پر مهرشان کردند. همچنین همسر مهربانی که در هیچ یک از مراحل انجام این تحقیق مرا تنها نگذاشت و با لطف و مهربانی خود تا پایان آن همراهی‌ام کرد.

همچنین جا دارد از مساعدت دوستان عزیز آقایان امیر ایروانیان، جعفر مسنی، نوروژ کارگری و شهرام محمدی صمیمانه تشکر نمایم که اگر یآوری‌های پرمهر ایشان نبود، گذر از این مسیر بس دشوار می‌نمود.

از جناب آقای دکتر نجفی ابرندآبادی که راهنمای من در تدوین این رساله بودند، سپاسگذارم که رهنمودهایشان چراغ راه من بود و آرامش کلامشان ناهمواری‌های این راه را بر من هموار ساخت.

تشکر صمیمانه خود را تقدیم جناب آقای دکتر علی صفاری و جناب آقای دکتر عباس مختصرآبادی می‌نمایم که فرجام کار خویش را مدیون لطف و محبت ایشان می‌دانم و از خداوند متعال سلامت و توفیق روز افزون ایشان و دیگر اساتید معظمه را خواستارم.

## چکیده

این رساله، رویکرد نوین مدیریتی مبنی بر حمایت از جامعه در مقابل مجرمین پرریسک را در راستای تحولاتی که در سه دهه اخیر در سیاست جنایی برخی کشورها رخ داده است، مورد بررسی قرار می دهد. در این دوران، در نتیجه برخی تحولات سیاسی، اقتصادی و...، با اعلام شکست سیاست اصلاح و درمان، فلسفه غالب و حاکم ضمانت اجراهای کیفری، از اصلاح و بازپروری به یکی از کارکردهای سنتی مجازات، یعنی ناتوان سازی رجعت می کند.

از سوی دیگر، این رهیافت، ریشه در گفتمان ریسک محوری دارد که در سطح جوامع نوین پدیدار شده و از آن تحت عنوان «جامعه ریسک مدار» یاد می شود. انسان امروز شکل جدیدی از عدم قطعیت را تجربه می کند که محصول دگرگونی بافت اجتماعی این دوران است. این تحولات، منتهی به پیدایش اشکال نوینی از زندگی اجتماعی شده است که با مفهوم ریسک آمیخته شده است. تبعاً این حیات مدرن، نگاه متفاوتی به جرم - به عنوان یکی از عوامل ایجاد عدم اطمینان - داشته و تکنیک های نوینی جهت کنترل آن به کار می گیرد. این تحولات، فضا را برای طرح دوباره مفاهیمی تاریخی چون «مجرم خطرناک» - البته به شکلی نوین و با بنیان فکری متفاوت - در بستر جامعه ریسک مدار، مهیا ساخته است.

بدین ترتیب، تحت تاثیر اندیشه های مدیریتی و در راستای افزایش کارآیی و کارآمدی دستگاه عدالت کیفری و استفاده بهینه از امکانات محدود سیستم، سیاست جنایی افتراقی در مقابله با بزهکاران شکل گرفته است. در این راستا، برخورد سیستم با فرد بر مبنای نیم رخ ریسکی وی و منوط به آن است که او در کدام یک از گروه های پرریسک، میانه ریسک و یا کم ریسک قرار گیرد. در مورد گروه های پرریسک، زندان به عنوان ابزار توان گیر ایفای نقش می نماید و گروه های میانه ریسک و کم ریسک در خود جامعه و با روش های توان گیری غیر کیفری چوت تکنیک های پیشگیری وضعی از ارتکاب جرم بازداشته می شوند.

در این راستا، در کارکرد کیفی سالب آزادی نیز تغییر مهمی پدید می‌آید: زندان که در اندیشه اصلاح و بازپروری «درمانگاه مجرمین» و محل اجرای برنامه‌های بازپروری بود، در راستای شکل‌گیری و توسعه اهداف مدیریتی جرم، تبدیل به «زباله‌دان اجتماعی» یا محلی برای انباشت توده‌های مجرمین پرریسک می‌شود که ضایعات جوامع انسانی و تفاله‌های به جا مانده از تحولات اجتماعی محسوب می‌شوند.

**واژگان کلیدی:** مدیریت ریسک جرم، جامعه ریسک‌مدار، بازپروری، ناتوان‌سازی  
گزیتشی، طبقه فرودست، عدالت سنجشی

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### مقدمه

۲.....	الف) طرح موضوع.....
۱۰.....	ب) سابقه تحقیق.....
۱۱.....	ج) ضرورت انجام تحقیق.....
۱۲.....	د) سوالات تحقیق.....
۱۳.....	ه) فرضیات تحقیق.....
۱۳.....	و) اهداف تحقیق.....
۱۴.....	ز) نوآوری تحقیق.....
۱۴.....	ح) روش تحقیق.....
۱۵.....	ط) مشکلات تحقیق.....
۱۵.....	ی) طرح کلی.....



## بخش نخست

## گفتمان ریسک‌مدار؛ از تبیین مفاهیم تا فرایند شکل‌گیری

فصل نخست: ریسک و مدیریت آن.....	۱۹
مبحث نخست: پدیدارشناسی ریسک.....	۱۹
گفتار نخست: مفهوم ریسک.....	۱۹
گفتار دوم: خصایص ریسک.....	۲۵
مبحث دوم: مدیریت ریسک.....	۲۷
گفتار نخست: تبیین مدیریت ریسک.....	۲۷
گفتار دوم: فرایند مدیریت ریسک.....	۳۱
دستاورد.....	۴۰
فصل دوم: مدیریت از هم‌گسیختگی اجتماعی؛ جامعه ریسک‌مدار.....	۴۱
مبحث نخست: از ریسک‌پذیری تا نقش فزاینده ریسک.....	۴۱
مبحث دوم: ادغام ریسک در جامعه.....	۵۰
گفتار نخست: مفهوم جامعه ریسک‌مدار.....	۵۱
گفتار دوم: حکمرانی و جامعه ریسک‌مدار.....	۵۴
مبحث سوم: تلفیق ریسک و جرم: احیای مفهوم مجرم خطرناک.....	۵۹
گفتار نخست: جرم، عدم امنیت و ریسک.....	۵۹
بند نخست: جرم؛ موجد احساس ناامنی.....	۶۰
بند دوم: جرم؛ ابزار سنجش میزان ناامنی.....	۶۱
بند سوم: رسانه‌ها؛ تشدیدکننده احساس ناامنی.....	۶۳
گفتار دوم: بازگشت مجرم خطرناک.....	۶۵

۷۰	دست آورد
۷۱	<b>فصل سوم: افول اصلاح و درمان؛ خیزش ناتوان سازی</b>
۷۱	مبحث نخست: توجیحات فایده گرایانه مجازات
۷۳	گفتار نخست: بازدارندگی
۷۷	گفتار دوم: ناتوان سازی
۸۲	گفتار سوم: اصلاح و درمان (بازیروری)
۸۳	مبحث دوم: اصلاح و درمان؛ از آغاز تا زوال
۸۳	گفتار نخست: شکل گیری و اوج اصلاح و درمان
۸۶	گفتار دوم: غروب اصلاح و درمان
۸۶	بند نخست: زمینه های اقتصادی-اجتماعی
۹۲	بند دوم: تحولات سیاسی
۹۵	بند سوم: عوام گرایی عدالت کیفری
۹۸	بند چهارم = معضلات زندان
۹۸	الف: افزایشی خطرناکی مجرمان آزاد شده
۹۹	ب: طرد اجتماعی و بیکاری
۹۹	ج: انباشته شدن نیروی کار جامعه
۱۰۰	د: تکرار جرم
۱۰۱	ه: تراکم جمعیت کیفری زندان
۱۰۲	بند پنجم: دلایل جرم شناختی
۱۰۶	مبحث سوم: نوزایی اندیشه ناتوان سازی
۱۰۷	گفتار نخست: جرم شناسی خودی، جرم شناسی غیر خودی
۱۱۱	گفتار دوم: ناتوان سازی گزینشی
۱۱۹	دست آورد

## بخش دوم

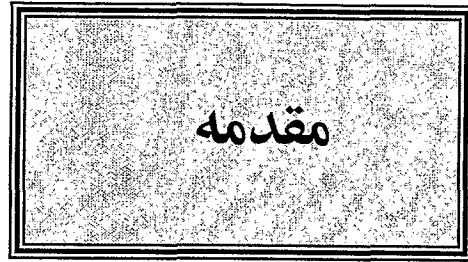
## جلو‌های گفتمان مدیریت ریسک جرم

فصل نخست: ماشینی‌شدن مجازات؛ مدیریت مبتنی بر عقلانیت صوری.....	۱۲۲
مبحث نخست: گفتمان سه ضربه‌ای.....	۱۲۲
مبحث دوم: ماشینی‌شدن مجازات.....	۱۲۴
گفتار نخست: کارایی.....	۱۲۵
گفتار دوم: محاسبه‌پذیری.....	۱۲۶
گفتار سوم: پیش‌بینی‌پذیری.....	۱۲۸
گفتار چهارم: کنترل.....	۱۲۸
مبحث سوم: نتایج غیرمعقول ماشینی‌شدن مجازات.....	۱۳۰
گفتار نخست: عدم کارایی.....	۱۳۰
گفتار دوم: عدم محاسبه‌پذیری.....	۱۳۲
گفتار سوم: عدم پیش‌بینی‌پذیری.....	۱۳۳
گفتار چهارم: مسائل حقوقی.....	۱۳۳
گفتار پنجم: عدم کارآمدی.....	۱۳۸
گفتار ششم: تورم جمعیت کیفری زندان‌ها.....	۱۳۸
دستاورد.....	۱۴۲
فصل دوم: عدالت سنجشی؛ مدیریت آماری ریسک جرم.....	۱۴۳
مبحث نخست: ارکان عدالت سنجشی.....	۱۴۳
گفتار نخست: از ناتوان‌سازی فردی تا ناتوان‌سازی گروهی.....	۱۴۴

- گفتار دوم: مباحث نظری عدالت سنجشی..... ۱۴۷
- گفتار سوم: ویژگی‌های عدالت سنجشی..... ۱۵۲
- مبحث دوم: تعیین علمی عدالت سنجشی..... ۱۵۶
- گفتار نخست: از سنجش بالینی تا سنجش آماري..... ۱۵۶
- بند نخست: سنجش ریسک شهودی..... ۱۵۹
- بند دوم: سنجش ریسک بالینی..... ۱۶۱
- بند سوم: سنجش آماری ریسک..... ۱۶۳
- گفتار دوم: شیوه ارزیابی آماری ریسک..... ۱۷۲
- بند نخست: فرایندهای آماری ساخت یک سنجه..... ۱۷۳
- الف: ساخت درخت تصمیم..... ۱۷۴
- ب: فرایند طبقه‌بندی مجدد..... ۱۷۸
- بند دوم: سنجه‌ها..... ۱۸۲
- الف: سنجه‌های آماری..... ۱۸۷
- ب: سنجه‌های بالینی..... ۱۸۹
- بند سوم: مسائل روش‌شناختی در پیش‌بینی ریسک..... ۱۹۰
- مبحث سوم: کاربردهای مدیریت آماری ریسک در فرایند کیفری..... ۱۹۳
- گفتار نخست - انتخاب پرونده برای تعقیب..... ۱۹۳
- گفتار دوم: صدور قرارهای تامین..... ۱۹۶
- گفتار سوم: رهنمودهای تعیین مجازات..... ۱۹۹
- گفتار چهارم - طبقه‌بندی در زندان..... ۲۰۱
- گفتار پنجم: تعلیق مجازات و آزادی مشروط..... ۲۰۵
- گفتار ششم: رهنمودهای نظارت بر تعلیق و آزادی مشروط..... ۲۰۶
- گفتار هفتم: مرحله پساکیفری..... ۲۰۷
- مبحث چهارم: سنجش آماری ریسک، روال شناخت شخصی مرتکب..... ۲۱۶

گفتار نخست: فرد محوری و گروه‌مداری.....	۲۱۷
گفتار دوم: اعداد یا واژه‌ها.....	۲۲۰
دستاورد.....	۲۲۷
<b>فصل سوم: پیشگیری وضعی؛ تکنیک‌های مدیریت غیر کیفری (جرم‌شناختی)</b>	
<b>ریسک جرم.....</b>	<b>۲۲۹</b>
مبحث نخست: پیشگیری وضعی؛ از بنیان‌ها تا تولد دوباره.....	۲۲۹
گفتار نخست: مبانی نظری پیشگیری وضعی.....	۲۳۰
گفتار دوم: احیای پیشگیری وضعی.....	۲۳۶
مبحث دوم: فرایند مدیریت پیشگیری وضعی.....	۲۳۶
گفتار نخست: مراحل پیشگیری وضعی.....	۲۳۷
گفتار دوم: تکنیک‌های پیشگیری وضعی.....	۲۴۱
بند نخست: افزایش میزان تلاش لازم برای ارتکاب جرم.....	۲۴۲
بند دوم: افزایش خطرات ارتکاب جرم.....	۲۴۳
بند سوم: کاهش دستاوردهای جرم.....	۲۴۴
بند چهارم: کاهش تحریکات.....	۲۴۵
بند پنجم: سلب توجیحات.....	۲۴۷
مبحث سوم: ایرادات وارد بر پیشگیری وضعی.....	۲۵۰
گفتار نخست: جای‌جایی جرم.....	۲۵۰
گفتار دوم: مسائل اخلاقی و حقوق بشری.....	۲۵۲
گفتار سوم: عدم کارایی پیشگیری وضعی.....	۲۵۶
دستاورد.....	۲۵۸

۲۶۰.....	نتیجه گیری.....
۲۷۰.....	واژه نامه.....
۲۷۳.....	منابع و مآخذ.....
۲۷۴.....	۱) منابع فارسی.....
۲۷۴.....	الف) کتابها.....
۲۷۷.....	ب) مقالات.....
۲۸۰.....	ج) پایان نامهها.....
۲۸۱.....	د) تحریرات.....
۲۸۲.....	ه) دیگر منابع.....
۲۸۳.....	۲) منابع انگلیسی.....
۲۸۳.....	الف) کتابها.....
۲۸۷.....	ب) مقالات.....
۲۹۲.....	چکیده انگلیسی.....



## الف) طرح موضوع

از یدو تفکر انسان در مورد پدیده‌ای صداجتماعی به نام جرم، نظریات و مکاتب مختلفی در خصوص چگونگی شکل‌گیری جرم و کیفیت واکنش نسبت به آن، شکل گرفته‌اند.<sup>۱</sup> باوجود تغایر اندیشه‌ها و اختلافات بنیادی آنها، نقاط اشتراک چندی در اکثر این آموزه‌ها وجود دارد. از یک سو، غالب این دیدگاه‌ها به دنبال راه‌حلی برای «ریشه‌کن کردن» و «محو» جرم از جامعه بشری بوده‌اند. گویی جرم جنبه‌ای مرضی و آسیب‌شناختی در رفتارهای انسان داشته و همچون پدیده‌ای عارضی جامعه انسانی را گرفتار خود ساخته است. بنابراین، می‌توان با راهکار مناسب آن را از جامعه بشری زدود. ممکن است این ایده به صراحت در آموزه‌های یک مکتب مطرح نشده باشد، منتهی از بطن اندیشه‌های بیشتر مکاتب قابل استنباط و استخراج است. از طرف دیگر، نقطه تمرکز اصلی غالب نظریه‌پردازی‌های جرم‌شناختی، علت‌شناسی جرم است. حتی وجه تمایز اصلی نظریات مختلف جرم‌شناسی هم تبیین‌های متفاوتی است که در مورد شکل‌گیری جرم مطرح می‌سازند: یکی متمرکز بر علل روانی و دیگری متمرکز بر علل محیطی است؛ یکی علل خرد و سطح فردی و دیگری علل کلان را بررسی می‌نماید. بدین ترتیب، ارائه راهبرد و تکنیک و میزان کارآیی یک راه حل و قابلیت‌های آن، در حاشیه قرار گرفته و شاید علت شکست غالب اندیشه‌های جرم‌شناسی نیز همین عدم آرایه راهکار عینی و قابل کنترل، در راستای اجرای پیشنهادهای نظریه بوده است.

در واقع، در اکثر این نظریات، بیش از آن که ارائه مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و شکل اجرای راهبردها مدنظر قرار گیرد، خود اندیشه و نگرشی که برای تبیین چگونگی شکل‌گیری جرم ارائه شده است، مطلوب است. بنابراین راه کارهای اکثر اندیشه‌های یاد شده بیشتر ذهنی و

<sup>۱</sup> در اینجا منظور از نظریات و مکاتب، صرفاً جرم‌شناسی علمی یا اندیشه‌هایی که از زمان تحقیق‌ها به بعد شکل گرفته‌اند، نیست. بلکه مراد کل اندیشه‌های جرم‌شناسانه و شامل دوره‌های جرم‌شناسی غیرعلمی، نیمه‌علمی و علمی است. بنگرید به: نوربها، رضا؛ زمینه جرم‌شناسی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ص. ۴۰ به بعد.



انتزاعی است تا عینی و قابل اعمال. نمونه‌های بی‌شماری را برای اثبات مدعی می‌توان مطرح نمود. از دیدگاه ارسطو، ارتکاب جرم، تحصیل منفعت نامشروعی است که توازن ترازوی فرشته عدالت را بر هم می‌زند و قاضی که بیشتر به یک ریاضی‌دان می‌ماند، با سنجش این منفعت و قرار دادن درد و رنجی به نام مجازات در کفه دیگر، نابرابری ایجاد شده را برطرف می‌نماید.<sup>۱</sup>

بنام، مجرم را همچون تاجری می‌داند که سود و زیان ناشی از جرم را سنجیده و در صورت تفوق سود احتمالی جرم را انجام می‌دهد. بنابراین ضروری است قانون‌گذار میزان مجازات جرم را چنان در نظر بگیرد که با لحاظ احتمال عدم دستگیری و محکومیت، باز از سود حاصله بیشتر باشد.<sup>۲</sup> بدیهی است که در دیدگاه‌های یاد شده سنجش مجازات با ترازوی فرشته عدالت و یا محاسبه سود ناشی از هر جرم و تعیین مجازاتی که بر آن فزونی داشته باشد، بیشتر نگرشی انتزاعی و ذهنی است، تا یک راهکار عینی و قابل اجرا.

حتی در اندیشه‌های صاحب نظران معاصر نیز چنین عدم عینیتی در راهبردها دیده می‌شود. به عنوان مثال، اگرچه مارک آنسل ضمن عقیده بر ریشه داشتن جرم در علل زیستی، روانی و اجتماعی، اصلاح و بازپروری مجرمین در چارچوب دستگاه عدالت کیفری را به عنوان راهکار پیشنهاد می‌نماید،<sup>۳</sup> ما راهبردهای وی نیز از سطح بهره‌گیری از نظریات روان‌شناسان، روان‌پزشکان و سایر متخصصان فراتر نمی‌رود و به عبارت دیگر هیچ‌گاه به صورت تکنیک و یک روش عینی در نمی‌آید. علت این مساله نیز روشن است: همان‌گونه که گفتیم در این نظریات، علت‌شناسی جرم و تشریح چگونگی شکل‌گیری آن، بر پایه راهکارهای عملی جهت پیشگیری و یا کنترل جرم، مقدم است.

<sup>۱</sup> جهت مطالعه تکمیلی در مورد دیدگاه ارسطو بنگرید به: مالوری، فیلیپ؛ اندیشه‌های حقوقی، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، نشر آگه، چاپ اول، ۱۳۸۳، صص. ۳۷ به بعد.

<sup>۲</sup> پرادل، ژان؛ تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۸۸، صص. ۶۱-۶۲.

دیگر ویژگی بارز اندیشه‌های یاد شده آن است که وقتی نظریه در فرایند کیفری متبلور می‌شود، معمولاً یک نگاه «خرد» و «فردمحور» نسبت به جرایم وجود دارد. به این معنا که در واکنش‌های دستگاه عدالت کیفری، هر جرم و مجرم، به صورت یک مورد منفرد و منفک از سایر جرایم و یا مجرمین دیده شده و به صورت جداگانه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به گونه‌ای که تصمیم‌گیری در یک پرونده ارتباط مستقیمی با سایر موارد ندارد. این نوع نگرش را می‌توانیم رویکرد فردمحور یا فردگرا بنامیم. «رویکرد فردمحور»، یک روایت اخلاقی خاص از واقعه جنایی مطرح ساخته و به بررسی تقصیر فرد، مسوولیت وی و تعیین مجازاتش می‌پردازد. در این رویکرد، یک مجرم به صورت موردی و جدای از سایر مرتکبین دیده می‌شود. رویکرد فردگرا به دنبال یک نتیجه مشخص (اجرای عدالت، اصلاح و درمان و...) برای یک مورد به خصوص است. یعنی یک نگاه نظام‌مند که در آن دستگاه عدالت کیفری به شکل یک سیستم و متشکل از اجزای مختلفی دیده شود که در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر به سر برده و تصمیم‌گیری در هر مقطع و در خصوص هر مورد، بر سایر اجزای سیستم موثر است، وجود ندارد.

نهایت اینکه، معمولاً در اندیشه‌های مذکور تلاش برای محور جرم به هر قیمتی است و کمتر شاهد نگرشی اقتصادی و سنجش هزینه-فایده در واکنش به جرم هستیم. دست کم این که خود مکتب در این خصوص آموزه‌ای ندارد.

با این وجود، از دهه هشتاد میلادی شاهد شکل‌گیری نگرش جدیدی در حیطه علوم جنایی هستیم که ماهیت آن کاملاً مدیریتی است. دیدگاه جدید به جای آن که به بحث و تجزیه و تحلیل جرم و علل شکل‌گیری آن بپردازد، با رویکردی مدیریتی، ریسک ارتکاب جرم را همانند سایر ریسک‌هایی که در حوزه‌های اقتصادی، بیمه و... وجود دارند، مورد ارزیابی و سنجش قرار داده و آنگاه آن را مدیریت می‌کند.

هدف اصلی این دیدگاه استفاده بهینه از منابع مادی و انسانی است. تحقیقات نشان می‌دهد قسمت عمده جرایم توسط درصد ناچیزی از مرتکبان ارتکاب می‌یابد، به گونه‌ای که ۵ تا ۶ درصد از بزهکاران، ۵۵ تا ۶۰ درصد از جرایم را مرتکب می‌شوند و ۹۴ تا ۹۵ درصد، مرتکب بقیه جرایم هستند. بنابراین یک هسته فعال از بزهکاران وجود دارد که آن‌ها را «هسته‌های مقاوم بزهکاران» یا «بزهکاران پایدار» می‌نامند.<sup>۱</sup> منطق رویکرد جدید آن است که به جای آن که امکانات و بودجه محدود سیستم، به ویژه فضا و بودجه محدود زندان‌ها را به صورت پراکنده در مورد همه دسته‌های بزهکاران - که شامل بزهکاران اتفاقی نیز می‌شود - هزینه نماییم، گروه‌های پرریسک مجرمین که احتمال تکرار جرم آن‌ها زیادتر است، را شناسایی نموده و سیستم بر آنان متمرکز شود.

مبنای این رهیافت منطق بیمه‌ای است؛ در بیمه اموال و اشخاص هر قدر میزان ریسک بیشتر باشد، هزینه بیمه‌گذار و حق بیمه بیشتر می‌شود. بر همین اساس، در خصوص جرم نیز هر قدر ریسک تکرار جرم بیشتر باشد، ضروری است سرمایه‌گذاری کیفری و کنترل شدیدتری اعمال شود. در نتیجه اگر فردی مرتکب جرایم ساده‌ای شود، ولی دلالت بر ریسک بالای ارتکاب جرم از ناحیه وی داشته باشد، سیستم بر وی متمرکز می‌شود؛ یعنی بر خلاف عدالت استحقاقی<sup>۲</sup> معیار اقدامات اتخاذی تنها شدت جرم ارتكابی نیست.

بدین ترتیب، رویکرد جلدید مرتکب را نه به صورت انفرادی، بلکه در یک گروه و دسته، مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. مجموعه‌ای از شرایط فردی و اجتماعی، موجب قرار گرفتن هر مرتکب در یکی از گروه‌های از پیش تعیین شده، همراه با اعمال اقدامات

<sup>۱</sup>نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین؛ تقریرات درس جرم‌شناسی، جرم‌شناسی سیاست‌جنایی و تکنیک‌های حقوق کیفری، نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳، مباحثی در علوم جنایی، صص ۲۱۷۱-۲۱۷۰.

<sup>۲</sup> Just deserts

جهت مطالعه این مکتب بنگرید به: داوودی گرماردی، هما؛ مکتب نئوکلاسیک نوین و احیاء رویکرد سزادهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۸۴، صص ۸۸-۶۵.

و تدابیری است که شدت و وسعت آن کاملاً منطبق با میزان ریسکی است که گمان می‌رود طبقه مذکور برای جامعه خواهد داشت. بدین ترتیب، در حوزه سیاست جنایی، رویکرد ریسک‌مدار، و واکنش‌های «فردمدار» را به سمت پاسخ‌های «گروه محور» تغییر جهت می‌دهد. واکنش سیستم در قبال مرتکب جرم، منوط به این است که وی در کدام یک از دسته‌های پرریسک و کم‌ریسک قرار گیرد. در مورد گروه‌های پرریسک، از ابزار ناتوان‌سازی کیفری یعنی حبس‌های طولانی مدت استفاده شده و مسایر دسته‌های مجرمین با لبه نرم شمشیر دستگاه عدالت کیفری یعنی تعلیق تعقیب، تعلیق مجازات، آزادی مشروط و... روبرو می‌شوند.

بدین ترتیب شاهد شکل‌گیری یک «رئز هبرد کیفری دوگانه»<sup>۱</sup> هستیم: بزهاران به دو دسته پرریسک / استثنایی / خطرناک / مزمن<sup>۲</sup> و کم‌ریسک / معمولی / دانه ریز<sup>۳</sup> طبقه بندی می‌شوند. گروه نخست از طریق حبس‌های طولانی مدت ناتوان شده و گروه دوم با برخوردی نرم و ملایم مواجه می‌شوند.<sup>۴</sup>

در رویکرد سنجش و مدیریت ریسک جرم، اولویت با اداره موثر و کارآمد سیستم عدالت کیفری است و تمرکز سیستم، نه بر باقرا اجتماعی کردن مرتکبین، بلکه «افزایش ضریب امنیت اجتماعی» از طریق ناتوان‌سازی شماری از پرریسک‌ترین طیف‌های مجرمین است. این رویکرد، مفهوم تاریخی حالت خطرناک که اولین بار به وسیله مکتب تحقیقی مطرح شد را به گونه‌ای خاص احیا کرده است. بدین ترتیب که با بازخوانی مفهوم حالت خطرناک در ابعاد گروهی و جمعی، دگرگونی عمیقی در ارتباط با این مفهوم ایجاد کرده و با کم‌رنگ ساختن صبغه‌های فردی آن، بسترهای جدیدی در این حوزه بوجود آورده است.

<sup>1</sup> the strategy of bifurcation or twin track strategy

<sup>2</sup> high risk/ exceptional/ very serious/ chronic/ hard/ dangerous offenders

<sup>3</sup> low risk/ ordinary/ run of the mill/ soft offenders

<sup>4</sup> صفاری، علی؛ کیفرشناسی - تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم،